یادداشت

حسین کعبی
مدافع اسبق تیم ملی فوتبال

افزایش انگیزه بازیکنان پیامد کارشکنی میزبان

پس از اتفاقاتی که در پی «جنگ تحمیلی سوم» در کشور رخ داد، تیم ملی فوتبال ایران نتوانست برنامه مناسبی از جمله اردوها و مسابقات تدارکاتی مطلوب را برای حضور در جام جهانی پشت سر بگذارد. این مسأله موجب افت نسبی آمادگی بدنی بازیکنان شده است. هرچند برگزاری اردوی آنتالیا و انجام بازی‌های درون‌اردویی تا حدی شرایط را به وضعیت نرمال نزدیک کرده، اما همچنان این پرسش وجود دارد که آیا این میزان از آماده‌سازی برای تحمل فشار سنگین مسابقات جام جهانی کافی خواهد بود یا خیر. در خصوص انتقاداتی که نسبت به عدم جوان‌گرایی در تیم ملی مطرح می‌شود، به نظر می‌رسد این نگاه چندان منصفانه نیست. واقعیت فوتبال ایران نشان می‌دهد در برخی پست‌ها با کمبود بازیکنان در سطح ملی مواجه هستیم. به‌عنوان فردی که بازی‌های لیگ برتر را به‌طور مستمر دنبال می‌کنم، معتقدم کادر فنی تیم ملی به بازیکنان مستعد فرصت داده و نمی‌توان گفت حق کسی ضایع شده است. البته در ساختار دفاعی تیم ملی همچنان ضعف‌هایی وجود دارد که امری طبیعی است و باید برای رفع آنها برنامه‌ریزی دقیق‌تری صورت گیرد. بدون تردید، تکرار اشتباهات در خط دفاعی می‌تواند در سطح جام جهانی هزینه‌ساز باشد. در حال حاضر نیز می‌توان گفت گزینه‌های موجود در مرکز خط دفاعی از جمله خلیل‌زاده و کنعانی‌زادگان، جزو بهترین‌های در دسترس هستند. تیم ملی در گروه دشواری قرار گرفته است. نیوزیلند در بازی‌های دوستانه اخیر عملکرد قابل توجهی داشته و نمی‌توان آن را حریفی ساده دانست. بلژیک نیز با بهره‌مندی از بازیکنان شاغل در سطح اول فوتبال اروپا، از نظر فنی تیمی قدرتمند محسوب می‌شود. مصر نیز با داشتن مهاجمان مطرح، خطرات جدی در فاز هجومی ایجاد می‌کند. بنابراین استفاده از بازیکنان کم‌تجربه در چنین شرایطی می‌تواند ریسک بالایی داشته باشد.

اگر تغییر نسل در فوتبال ایران مطرح است، باید تأکید کرد این فرآیند می‌بایست از حدود هشت سال پیش و در دوره حضور کارلوس کی‌روش آغاز می‌شد؛ نه در شرایط فعلی که تیم با محدودیت در تولید بازیکن تراز اول مواجه است. در مورد برخی بازیکنان مانند دانیال اسماعیلی‌فر نیز باید گفت هر چند او در سطح باشگاهی عملکرد قابل‌قبولی دارد، اما برای حضور در سطح ملی همچنان نیازمند ارتقای برخی ویژگی‌هاست. تصمیم‌گیری درباره دعوت بازیکنان نیز در نهایت بر عهده کادر فنی است و باید به انتخاب سرمربی و سبک مدیریتی او احترام گذاشت. در خصوص مسائل مربوط به ویزا و عدم صدور آن برای برخی همراهان تیم ملی و حتی رئیس فدراسیون، این موضوع می‌تواند از منظر اداری و دیپلماتیک قابل بررسی باشد. با این حال، انتظار می‌رود این شرایط به جای ایجاد حاشیه، انگیزه بیشتری برای بازیکنان ایجاد کند تا در زمین مسابقه توانایی‌های خود را به نمایش بگذارند. در عین حال، پیگیری حقوقی و رسمی این موضوع از طریق نهادهای بین‌المللی مانند فیفا نیز ضروری به نظر می‌رسد. اکنون که بخش عمده‌ای از کادر فنی و بازیکنان در شرایط مطلوب‌تری از نظر حضور و ویزا قرار دارند، تمرکز اصلی باید بر آماده‌سازی فنی، انتخاب ترکیب مناسب و اجرای تاکتیک‌های مؤثر در مسابقات باشد. در چنین شرایطی، حمایت از تیم ملی و پرهیز از حواشی، مهم‌ترین اولویت خواهد بود.

نگاه

مهدی امیرآبادی
بازیکن اسبق تیم ملی فوتبال

مأموریت مهم کادر فنی در مسیر جام جهانی

در مسیر آماده‌سازی تیم ملی فوتبال ایران برای حضور در جام جهانی، مسأله آمادگی بدنی بازیکنان یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل موفقیت به شمار می‌رود؛ عاملی که در شرایط محدودیت برگزاری دیدارهای تدارکاتی سطح بالا، بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده است. اردوهای تدارکاتی برگزار شده، از جمله دیدارهای دوستانه مقابل تیم‌هایی مانند گامبیا و مالی در اردوی آنتالیا، اگرچه در حفظ ریتم مسابقه و جلوگیری از افت بدنی بازیکنان مؤثر بوده، اما به تنهایی قادر به ایجاد فشار فیزیکی و شدت واقعی رقابت‌های سطح جام جهانی نبوده است. یکی از چالش‌های اصلی چنین اردوهایی، عدم تطابق شدت مسابقه با استانداردهای بازی در تورنمنت‌های بزرگ است. بازی‌های دوستانه کم‌تنش، هرچند برای حفظ آمادگی عمومی مفیدند، اما نمی‌توانند شاخص‌های مهمی مانند ظرفیت هوازی ویژه، توان بی‌هوازی در لحظات پرفشار و تحمل خستگی در دقایق پایانی بازی را به‌طور کامل شبیه‌سازی کنند. در نتیجه، سنجش دقیق وضعیت بدنی بازیکنان و تنظیم بار تمرینی در این شرایط اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. در چنین وضعیتی، نقش کادر فنی و بدنسازی در مدیریت تمرینات (دوره‌بندی بار تمرینی) حیاتی است. حفظ تعادل میان حفظ آمادگی مسابقه‌ای و جلوگیری از خستگی مزمن یا افت عملکرد، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، پایش مستمر داده‌های بدنی بازیکنان و استفاده هدفمند از ریکاوری فعال است. در غیر این صورت، خطر افت عملکرد در دقایق حساس مسابقات افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر، کمبود مواجهه با تیم‌های قدرتمند در دیدارهای تدارکاتی، مانع مهمی در شبیه‌سازی فشار واقعی مسابقات محسوب می‌شود. بازی با حریفان سطح بالا نه‌تنها از نظر تاکتیکی، بلکه از منظر فیزیولوژیک نیز موجب افزایش کیفیت آماده‌سازی می‌شود؛ زیرا بازیکنان را در معرض شدت بالاتر دویدن، درگیری‌های فیزیکی بیشتر و تصمیم‌گیری تحت‌تأثیر خستگی قرار می‌دهد. در کنار این موضوع، ترکیب سنی تیم نیز بروضعیت آمادگی بدنی اثرگذار است. استفاده همزمان از بازیکنان باتجربه و نیروهای جوان، می‌تواند به ایجاد تعادل در سطح انرژی و توان حرکتی تیم کمک کند. با این حال، مدیریت بار تمرینی در بازیکنان باتجربه برای جلوگیری از افت توان در تورنمنت‌های فشرده، یک ضرورت انکارناپذیر است. در نهایت، کلید اصلی موفقیت تیم ملی در جام جهانی را باید در ترکیب سه عامل دانست؛ آمادگی بدنی مطلوب، مدیریت علمی بار تمرینی و تحلیل دقیق نیازهای فیزیولوژیک هر مسابقه. تنها در چنین شرایطی است که تیم می‌تواند در بازی‌های حساس، بویژه دیدار اول که نقش تعیین‌کننده‌ای در مسیر صعود دارد، در سطحی پایدار از توان جسمانی و تمرکز عملکردی ظاهر شود.

«ایران» چالش آمادگی بدنی بازیکنان تیم ملی در آستانه جام جهانی ۲۰۲۶ را بررسی می‌کند

در جست‌وجوی یازده جنگجوی تمام عیار

سینا حسینی/ تیم ملی فوتبال ایران در آستانه جام جهانی ۲۰۲۶ در مرحله‌ای قرار گرفته که بیش از هر چیز می‌توان آن را «نقطه تلاقی اضطرار بدنی و بازتعریف تاکتیکی» نامید. اردوهای تدارکاتی آنتالیا و بویژه دو دیدار تدارکاتی برابر گامبیا و مالی، تصویری نسبتاً شفاف از وضعیت فعلی تیم ارائه دادند؛ تصویری که در آن، نوسان در اجرای ایده‌های تاکتیکی، در کنار نگرانی‌های مربوط به مصدومیت برخی مهره‌های کلیدی، ساختار تصمیم‌گیری کادر فنی را پیچیده‌تر کرده است. در چنین شرایطی، مسأله تیم ملی صرفاً انتخاب سیستم نیست، بلکه مدیریت همزمان «ریسک بدنی بازیکنان» و «انعطاف ساختارفنی» است.

در دیدار مقابل گامبیا، تیم ملی با رویکردی مبتنی بر مالکیت نسبی و آرایش نزدیک به ۱-۳-۲-۴ وارد زمین شد، اما در تبدیل مالکیت به موقعیت‌های مؤثر، ضعف در سرعت گردش توپ و کمبود تنوع در کانال‌های نفوذ مشهود بود. هافبک‌های مرکزی در بسیاری از دقایق به جای ایجاد برتری عددی در نیم‌فضاها، به گردش افقی و ایمن محدود شدند و همین موضوع باعث شد ساختار دفاعی حریف با کمترین فشار دچار فروپاشی نشود. در بازی برابر مالی، این ضعف در برابر یک بلوک فشرده و فیزیکی تشدید شد؛ جایی که تیم در خروج از پرس اولیه و شکستن خط اول فشار، بارها به بازی مستقیم و کم‌تنوع متوسل و فاصله بین خطوط، بویژه بین هافبک‌ها و مهاجمان، به یک مسأله ساختاری تبدیل شد.

این دو بازی در مجموع نشان دادند که تیم ملی هنوز به یک «مدل پایدار بازی» نرسیده است و تغییرات در چینش نفرات و سیستم‌ها، بیش از آنکه به تنوع تاکتیکی منجر شود، مانع از شکل‌گیری اتوماتیسم‌های تیمی شده است. در همین نقطه، مسأله مصدومیت‌ها اهمیت مضاعف پیدا می‌کند؛ چرا که در صورت غیبت یا عدم آمادگی بازیکنانی مانند مهدی طارمی، علیرضا جهانبخش، روزبه چشمی یا مهدی ترابی، نه تنها کیفیت فردی کاهش می‌یابد، بلکه کل منطق اتصال خطوط و خلق موقعیت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تیم ملی در بخش‌هایی از زمین «جایگزین فنی هم‌سطح» در اختیار ندارد و همین موضوع دست کادر فنی را در تغییرات تاکتیکی محدود می‌کند.

در چنین شرایطی، سرمربی تیم ملی ناگزیر است به جای تکیه بر یک سیستم ثابت، به سمت طراحی یک ساختار چندلایه و تطبیقی حرکت کند؛ ساختاری که بتواند بسته به وضعیت بدنی بازیکنان و نوع حریف، بین چند مدل فنی جابه‌جا شود. اولین گزینه، مدل ۱-۳-۲-۴ در فاز مالکیت است؛ ساختاری که با پایین آمدن یکی از فول‌بک‌ها به نیم‌فضا و تثبیت یک هافبک دفاعی، امکان تبدیل تیم به آرایش ۲-۵-۳ در حمله را فراهم می‌کند. این مدل در صورت آمادگی بازیکنان کلیدی خط میانی، می‌تواند به بهبود گردش توپ و افزایش تنوع در یک‌سوم پایانی کمک کند، اما در غیاب آنها، خطر افت خلاقیت در انتقال توپ وجود دارد.

گزینه دوم، سیستم ۱-۵-۴ در فاز بدون توپ است که در عمل به یک بلوک دفاعی فشرده و سازمان‌یافته تبدیل می‌شود. این ساختار برای مدیریت بازی‌های سخت مرحله گروهی و کنترل فضای کناره‌ها اهمیت دارد و در صورت کاهش آمادگی برخی مهره‌های هجومی، می‌تواند نقش یک «ساختار بقا محور» را ایفا کند. در فاز انتقالی، این مدل قابلیت تبدیل سریع به ۳-۴-۳ را دارد و به تیم اجازه می‌دهد با استفاده از وینگ‌بک‌ها، به‌سرعت از دفاع به حمله منتقل شود.

گزینه سوم، ساختار ۱-۴-۱-۴ است که رویکردی متعادل‌تر و کنترلی دارد. در این مدل، یک هافبک دفاعی نقش تثبیت‌کننده را ایفا می‌کند و دو هافبک مرکزی باید توانایی بازی در نیم‌فضا و شکستن خطوط را داشته باشند. مزیت این سیستم، کنترل بهتر مرکز زمین در برابر تیم‌های هم‌سطح است، اما وابستگی آن به کیفیت فنی بازیکنان میانی، آن را در شرایط مصدومیت‌محور آسیب‌پذیر می‌کند.

نکته کلیدی در تحلیل عملکرد اخیر تیم ملی، مسأله «فاصله بین خطوط» است؛ مشکلی که در هر دو بازی تدارکاتی مشهود بود و باعث شد مهاجمان در بسیاری از دقایق از جریان بازی خارج شوند. این فاصله، مستقیماً با کیفیت هافبک‌های خلاق و میزان آمادگی بدنی آنها مرتبط است و در صورت تداوم مصدومیت‌ها، می‌تواند به نقطه ضعف ساختاری تیم در جام جهانی تبدیل شود.

مسیر پیش‌روی تیم ملی ایران بیش از آنکه به انتخاب یک آرایش مشخص محدود باشد، به توانایی کادر فنی در مدیریت همزمان چند چالش وابسته است؛ چالش مصدومیت‌های احتمالی، چالش ثبات تاکتیکی و چالش خلق موقعیت در برابر تیم‌های فشرده. اگر قلعه‌نویی بتواند میان این سه محور تعادل ایجاد کند، تیم ملی می‌تواند به یک ساختار انعطاف‌پذیر و نتیجه‌محور برسد؛ ساختاری که نه لزوماً مالکیت بازی را در اختیار دارد، اما در مدیریت لحظات کلیدی، در بهره‌برداری از حداقل موقعیت‌ها و کنترل ریسک، به بلوغ تاکتیکی قابل اتکا دست یافته است.

غفور جهانی، بازیکن اسبق تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

شانس صعود داریم اما کار آسانی نیست

مهری رنجبر/ جام جهانی ۲۰۲۶ در حالی برای تیم ملی فوتبال ایران آغاز خواهد شد که از همان مراحل ابتدایی، با حاشیه‌ها و چالش‌های غیرمنتظره همراه بوده است. شرایط پیچیده آماده‌سازی، مسائل لجستیکی و برخی محدودیت‌های خارج از زمین بازی، فضایی متفاوت و دشوار را برای تیم ملی رقم زده است؛ تا جایی که برخی کارشناسان از این دوره به‌عنوان یکی از سخت‌ترین و پرچالش‌ترین تجربه‌های تاریخ فوتبال ایران یاد می‌کنند. انتقادات نسبت به شرایط میزبانی و تصمیمات پیرامون تیم ملی نیز افزایش یافته و حتی برخی چهره‌های باسابقه فوتبال ایران از جمله غفور جهانی، با اشاره به تجربه حضور خود در جام جهانی ۱۹۷۸، نگاه انتقادی خود را نسبت به شرایط فعلی و مدل برگزاری رقابت‌های جام جهانی مطرح کرده‌اند. متن کامل گفت‌وگوی «ایران» با غفور جهانی را در ادامه می‌خوانید.

عکس: محسن داودی

ارزیابی شما از وضعیت تیم ملی فوتبال پس از دو بازی تدارکاتی مقابل گامبیا و مالی چیست؟ به نظر می‌رسد این حریفان از سطح بالایی برخوردار نبودند.

گامبیا و مالی در سطحی نبودند که بتوانند تیم ملی را به‌طور جدی محک بزنند. این مسابقات فشار و چالش لازم را برای بازیکنان ایجاد نکرد تا نقاط ضعف و قوت تیم به‌خوبی مشخص شود. به همین دلیل، این دیدارها نمی‌توانند معیار دقیقی برای آماده‌سازی جام جهانی باشند. البته نمی‌دانم دقیقاً به چه دلیل سایر حریفان قوی‌تر در دسترس نبودند، اما در مقایسه، تیم‌هایی مانند عراق با حریفانی چون اسپانیا بازی‌های تدارکاتی برگزار کردند که از نظر فنی بسیار پرفشارتر و استانداردتر بود.

آیا می‌توان گفت این دو بازی بیشتر برای هماهنگی تیم و اجرای سیستم مورد نظر سرمربی بوده است؟

بازی‌های تدارکاتی اساساً برای آماده‌سازی تیم‌ها طراحی می‌شوند، چه حریف قوی باشد و چه ضعیف. اما نکته مهم این است که بازی با حریفان قدرتمند، تصویر دقیق‌تری از وضعیت واقعی تیم ارائه می‌دهد و به کادر فنی کمک می‌کند مشکلات را بهتر شناسایی کنند. در هر صورت، این دو مسابقه تا حدی به هماهنگی بازیکنان کمک کرد، هرچند سطح رقابت پایین بود. به هر حال، فرصت بازی بین بازیکنان درون‌تیمی هم محدود است و این دیدارها می‌توانستند تا حدی این خلأ را جبران کنند. امیدوارم در نهایت تیم برای جام جهانی به هماهنگی مطلوب رسیده باشد.

لیست ۲۶ نفره تیم ملی با میانگین سنی نسبتاً بالا انتخاب شده است. آیا این ترکیب در فوتبال مدرن امروز توان رقابت با حریفان جام جهانی را دارد؟

برخی تصور می‌کنند گروه ایران در مرحله مقدماتی ساده است، اما این‌طور نیست. هر سه تیم حاضر، از جمله نیوزیلند و مصر و حتی بلژیک، با انگیزه بالا وارد رقابت می‌شوند و بازی‌های دشواری خواهند داشت. اگر به گذشته نگاه کنیم، در مسیر آماده‌سازی جام جهانی ۱۹۷۸، تیم ملی با حریفانی مانند تیم‌های باشگاهی فرانسه و بلژیک بازی می‌کرد که از نظر سبک بازی به رقبای جهانی شباهت داشتند. اما در شرایط فعلی، چنین شباهتی در بازی‌های تدارکاتی کمتر دیده شد.

در صورت مصدومیت مجدد روزبه چشمی در جام جهانی و نبود بازیکنانی مانند امید نورافکن، تیم ملی چه گزینه‌هایی خواهد داشت؟

سرمربی باید در انتخاب بازیکنان، ریسک استفاده از بازیکنان سالم و جوان را نیز در نظر می‌گرفت. اگر روزبه چشمی دوباره دچار مصدومیت شود، طبیعتاً جایگزین مؤثری در اختیار تیم نخواهد بود و این یک ریسک جدی است. در عین حال، انتخاب بازیکنان باتجربه اما آسیب‌دیده، همیشه محل بحث است. شاید اعتماد به بازیکنان جوان و باانگیزه می‌توانست هم میانگین سنی تیم را کاهش دهد و هم انرژی بیشتری به ترکیب بدهد. در شرایط سخت جام جهانی، بازیکن باید توان دوندگی و فشار بالا داشته باشد. تجربه نشان داده است که اتکای صرف به سن یا سابقه باشگاهی کافی نیست و باید عملکرد بازیکنان در سطح رقابت‌های بین‌المللی هم ملاک قرار گیرد. در مجموع، تردید دارم که روزبه چشمی بتواند در صورت مصدومیت، نقش تعیین‌کننده‌ای برای تیم ایفا کند.

آیا می‌توان گفت سرمربی تیم ملی با خط زدن امید نورافکن از فهرست تیم ملی دچار اشتباه محاسباتی شده است؟

امید نورافکن بازیکن توانمند و باانگیزه‌ای است و سابقه حضور موفقی در ملوان و سپاهان داشته و از همان‌جا نیز به تیم ملی رسید. او بازیکنی دونده است و از نظر فنی نیز توانایی‌های خوبی دارد. بنابراین نمی‌توان به‌سادگی گفت انتخاب او اشتباه بوده است. اما تصمیم‌گیری در مورد ترکیب نهایی تیم ملی همیشه با ریسک همراه است و باید دید در نهایت کادر فنی بر چه اساس و معیاری تصمیم به خط زدن وی گرفته است.

درباره روزبه چشمی گفته می‌شود به دلیل سبک بازی پربرخوردش احتمال دریافت کارت یا حتی اخراج در بازی‌های مهم وجود دارد. نظر شما چیست؟

روزبه چشمی بازیکنی است که سبک بازی فیزیکی و درگیرانه‌ای دارد و همین موضوع می‌تواند در سطح رقابت‌های بین‌المللی چالش‌برانگیز باشد. در جام جهانی، داوری‌ها بسیار دقیق‌تر است و برخوردهای فیزیکی سخت‌گیرانه‌تر قضاوت می‌شوند. تجربه نشان داده که در این سطح، حتی تکل‌های معمولی هم ممکن است کارت داشته باشد، به‌ویژه اگر روی بازیکنان کلیدی حریف انجام شود. از این منظر، احتمال گرفتن کارت برای بازیکنان پربرخورد همیشه وجود دارد، اما نمی‌توان با قطعیت گفت که او در هر بازی دچار مشکل خواهد شد.

آیا بازیکنانی مانند چشمی، ترابی و جهانبخش که با مصدومیت به اردو اضافه شده‌اند ممکن است جام جهانی را از دست بدهند؟

در فوتبال حرفه‌ای باید واقع‌بین بود. همه تیم‌ها انتظار دارند بازیکنان در سلامت کامل در اختیارشان باشند. اگر بازیکنی مصدوم باشد و زمان کافی برای بهبودی نداشته باشد، طبیعی است که احتمال از دست دادن مسابقات وجود دارد. از سوی دیگر، نباید فرض را بر ماندگاری طولانی تیم در جام جهانی گذاشت. ممکن است شرایط طوری رقم بخورد که تیم حتی از مرحله گروهی صعود نکند. در چنین شرایطی، استفاده از بازیکنان آماده و سالم اهمیت بیشتری دارد. انتخاب بازیکنان نیمه‌مصدوم همواره یک ریسک است و ممکن است باعث شود برخی بازیکنان آماده‌تر از ترکیب باز بمانند.

> شانس ایران برای صعود حدود ۵۰-۵۰ است. اگر تیم بتواند در بازی نخست مقابل نیوزیلند نتیجه بگیرد، مسیر صعود هموارتر خواهد شد؛ در غیر این صورت، کار بسیار دشوار می‌شود

به نظر شما شانس تیم ملی فوتبال برای صعود از مرحله گروهی چقدر است؟

امید به صعود داریم، اما کار ساده‌ای نیست. میانگین سنی بالای تیم و حضور برخی بازیکنان باتجربه اما کم‌تحرک‌تر می‌تواند در شرایط آب‌وهوایی سخت و فشار بازی‌ها تأثیرگذار باشد. در چنین مسابقاتی، دوندگی و آمادگی بدنی نقش بسیار مهمی دارد. اگر تیم از نظر بدنی دچار افت شود، کار دشوار خواهد شد. در مقابل، استفاده از بازیکنان جوان‌تر می‌توانست انرژی بیشتری به تیم بدهد. شاید اگر ترکیب با ترکیب متعادل‌تری از جوانان و باتجربه‌ها شکل می‌گرفت، شرایط بهتری برای نتیجه‌گیری فراهم می‌شد.

تیم ملی ایران در اولین بازی خود به مصاف نیوزیلند می‌رود. با توجه به شرایط فعلی، آیا می‌توان به پیروزی ایران و شروعی موفق در این رقابت‌ها امیدوار بود؟

به‌عنوان یک ایرانی، طبیعتاً دوست دارم تیم ملی موفق شود؛ همان‌طور که در سایر رشته‌ها مانند والیبال و بسکتبال نیز انتظار داریم تیم‌های ملی با صعود به مراحل بالاتر، جایگاه ورزش ایران را نشان دهند. نیوزیلند تیم قابل احترامی است و سبک بازی آن تا حدی شبیه تیم‌های فیزیکی مانند استرالیاست. این تیم در بازی‌های هوایی عملکرد خوبی دارد و همین موضوع می‌تواند برای خط دفاع ما چالش‌برانگیز باشد. در کنار آن، تیم مصر نیز از نظر آمادگی بدنی و کیفیت بازی در سطح بالاتری نسبت به تیم ملی ایران قرار دارد و بازی‌های تدارکاتی بهتری را پشت سر گذاشته است. بلژیک نیز از مدعیان اصلی صعود از گروه محسوب می‌شود. در مجموع، می‌توان گفت شانس ایران برای صعود حدود ۵۰-۵۰ است. اگر تیم بتواند در بازی نخست مقابل نیوزیلند نتیجه بگیرد، مسیر صعود هموارتر خواهد شد؛ در غیر این صورت، کار بسیار دشوار می‌شود.

با توجه به اینکه برخی اعضای کادر فنی مانند تیم لجستیک و دو آنالیزور موفق به دریافت ویزا نشده‌اند، آیا این موضوع می‌تواند به تیم ملی آسیب بزند؟

نبود آنالیزورها در مقایسه با سایر عوامل، احتمالاً تأثیر تعیین‌کننده‌ای نخواهد داشت، هرچند در جزئیات فنی می‌تواند خلأهایی ایجاد کند. اما نبود تیم لجستیک ممکن است از نظر هماهنگی و نظم روزمره برای بازیکنان و کادر فنی محسوس باشد، زیرا بازیکنان به حضور آنها در اردو عادت کرده‌اند. با این حال، نقش اصلی همچنان بر عهده سرمربی و دستیاران اوست و بار اصلی تصمیم‌گیری‌ها روی دوش آنها قرار دارد.

انتقال تیم ملی به کمپ مکزیک و سفرهای مکرر به لس‌آنجلس برای هر مسابقه، همراه با مسائل اداری و کنترل گذرنامه، تا چه حد می‌تواند بر عملکرد تیم تأثیر بگذارد؟

این شرایط بدون تردید می‌تواند برای تیم چالش‌برانگیز باشد. اسکان در مکزیک و رفت‌وآمد مداوم به آمریکا برای انجام مسابقات، همراه با مسائل اداری و کنترل‌های مرزی، می‌تواند تمرکز و آمادگی تیم را تحت تأثیر قرار دهد. در مقایسه با تیم‌هایی که در محل برگزاری مسابقات مستقر هستند، این رفت‌وآمدها یک مزیت رقابتی را از تیم می‌گیرد. از این منظر، می‌توان گفت چنین شرایطی به ضرر تیم است و ممکن است بر عملکرد کلی تأثیر منفی بگذارد.

آیا شرایط سفرهای طولانی و پروازهای مکرر بین مکزیک و آمریکا می‌تواند بر عملکرد تیم ملی تأثیر منفی بگذارد؟

چنین شرایطی بدون تردید می‌تواند تأثیرگذار باشد. هرچند پرواز بین مکزیک و آمریکا کوتاه و در حد یکی دو ساعت است، اما همین رفت‌وآمدهای مکرر، به‌ویژه اگر با تأخیر همراه شود، می‌تواند فشار روانی و جسمی زیادی به بازیکنان وارد کند. حتی همین تأخیرهای کوتاه در شرایط رقابتی می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم بر آمادگی تیم اثر بگذارد. از سوی دیگر، پروازهای مداوم و قرار گرفتن در ارتفاع نیز می‌تواند خستگی بدن را افزایش دهد و در برخی موارد احتمال تشدید مصدومیت‌ها را بالا ببرد. در مجموع، خستگی و فشار سفرهای پی‌درپی می‌تواند عملکرد بازیکنان را تحت تأثیر قرار دهد.

برش

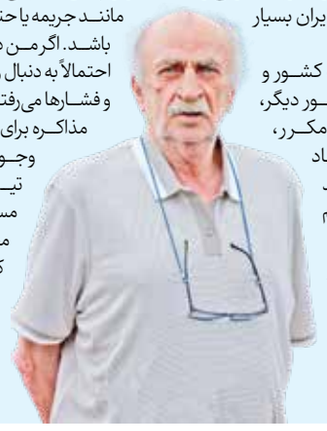

آیا می‌توان گفت جام جهانی ۲۰۲۶ یکی از سخت‌ترین دوره‌ها برای تیم ملی ایران از نظر شرایط آماده‌سازی و برگزاری مسابقات است؟

با توجه به شرایط موجود، می‌توان گفت این دوره از جام جهانی از نظر شرایط اجرایی و لجستیکی برای تیم ملی ایران بسیار دشوار است.

ترکیب اقامت در یک کشور و انجام مسابقات در کشور دیگر، همراه با سفرهای مکرر، شرایط غیرمعمولی ایجاد کرده که می‌تواند فشار مضاعفی بر تیم وارد کند.

می‌توان گفت این دوره از نظر سختی شرایط، یکی از چالش‌برانگیزترین تجربه‌ها برای تیم ملی است.

با توجه به این شرایط سخت، آیا اساساً بهتر بود تیم ملی در جام جهانی شرکت نکند یا راهکار دیگری وجود داشت؟

عدم حضور در جام جهانی اساساً قابل تصور نبود، زیرا چنین تصمیمی می‌توانست تبعات سنگین‌تری مانند جریمه یا حتی محرومیت به همراه داشته باشد. اگر من در جایگاه تصمیم‌گیری بودم، احتمالاً به دنبال راهکارهایی برای کاهش ریسک و فشارها می‌رفتم، حتی اگر نیاز به رایزنی و مذاکره برای کاهش برخی محدودیت‌ها وجود داشت. در نهایت، وقتی تیم در چنین شرایطی وارد مسابقات می‌شود، اگر نتیجه مطلوبی نگیرد، طبیعی است که باید پاسخگوی این تصمیمات و شرایط باشد و این موضوع در سطح کلان نیازمند بررسی دقیق خواهد بود.

رسول کربکندی، بازیکن اسبق تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

بازی‌های تدارکاتی تیم ملی ملاک قضاوت نهایی نیست

پریسا غفاری/ در حالی که تیم ملی فوتبال ایران مسیر آماده‌سازی برای حضور در جام جهانی ۲۰۲۶ را پشت سر می‌گذارد، رسول کربکندی دروازه‌بان اسبق تیم ملی، در گفت‌وگو با «ایران» به بررسی شرایط فنی و روانی شاگردان امیر قلعه‌نویی پرداخت. کربکندی با تأکید بر اینکه نتایج بازی‌های دوستانه نمی‌تواند معیار دقیقی برای ارزیابی تیم ملی باشد، توضیح می‌دهد: «آخرین بازی‌های تدارکاتی پیش از جام جهانی ملاک قضاوت نهایی نیست، اما واقعیت این است که همه می‌دانیم مردم انتظار دارند تیم ملی به مرحله حذفی صعود کند. تنها باید صبر کرد تا خودِ جام جهانی واقعیت‌های فوتبال ما را آشکار کند. هر تیمی که به این رقابت‌ها می‌آید، حاصل چهار سال برنامه‌ریزی و قدرت‌نمایی خود را به نمایش می‌گذارد، اما تیم ملی ما با پرسش‌های متعدد راهی این رقابت‌ها شده و امیدواریم اتفاقات خوبی در انتظارمان باشد.»

او در ادامه، یکی از مهم‌ترین چالش‌های تیم ملی را ضعف در برنامه‌های تدارکاتی می‌داند و می‌گوید: «یکی از مشکلات اساسی تیم ملی، نداشتن بازی‌های دوستانه باکیفیت است. به خاطر دارم در سال ۱۹۷۸ که خودم هم افتخار حضور در تیم ملی را داشتم، برای آماده‌سازی جام جهانی با تیم‌هایی مانند یوگسلاوی و بلغارستان بازی کردیم. حتی به فرانسه رفتیم و در تورنمنت پاری‌سن‌ژرمن مقابل این تیم و تیم ملی فرانسه به میدان رفتیم. اما امروز به دلیل شرایط خاص، از جمله تحریم‌ها، در عمل امکان برگزاری دیدارهای جدی که بتواند نقاط ضعف تیم را آشکار کند، فراهم نشده است. ما مقابل تیم‌هایی بازی کردیم که بیشتر تحت فشار ما بودند و به نوعی بدون محک جدی راهی جام جهانی می‌شویم. طبیعتاً در چنین شرایطی، وضعیت تیم ملی ایده‌آل نیست.»

در بخش دیگری از این گفت‌وگو، کربکندی به ترکیب تیم در دیدارهای اخیر اشاره کرده و توضیح می‌دهد: « در دیدار مقابل مالی، با ۶ تغییر به میدان رفتیم؛ این موضوع نشان می‌دهد که مانند بسیاری از تیم‌های بزرگ، در بازی‌های پایانی از ترکیب اصلی به‌طور کامل استفاده نشد تا هم از مصدومیت بازیکنان جلوگیری شود و هم شناخت بیشتری از نفرات جایگزین به دست آید. مشابه کاری که تیم‌هایی مانند فرانسه و اسپانیا انجام دادند و با ترکیب‌های متفاوت به میدان رفتند.

این رویکرد به مربیان کمک می‌کند تا در مواقع ضروری، شناخت دقیقی از بازیکنان نیمکت‌نشین داشته باشند. با این حال، به نظر من بهتر بود به‌جای علیرضا بیرانوند که جایگاهش در ترکیب اصلی تثبیت شده، از حسین حسینی یا پیام نیازمند استفاده می‌شد تا آنها نیز از نظر روحی و روانی آمادگی بیشتری پیدا کنند.»

وی درباره شانس ایران برای صعود از مرحله گروهی جام جهانی نیز چنین تحلیل می‌کند: «تا امروز موفق نشده‌ایم به مرحله حذفی صعود کنیم، اما این دوره شرایط متفاوت است. با افزایش تعداد تیم‌ها به ۴۸، حتی تیم‌های سوم گروه‌ها نیز شانس صعود دارند. از طرفی، در گروه بسیار دشواری هم قرار نگرفته‌ایم.»